

دانشگاه‌های اروپایی
از عصر روشنگری تا جنگ اول جهانی

R. D. Anderson
European Universities from the Enlightenment to 1914
Oxford University Press, 2004

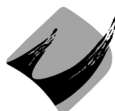
سرشناسه: اندرسون، رابرت دیوید
Anderson, R. D. (Robert David)
عنوان و نام پدیدآور: دانشگاه‌های اروپایی از عصر روشنگری تا جنگ اول جهانی / ر.
د. اندرسون؛ ترجمه محمدرضا خواجه‌پور.
مشخصات نشر: تهران: نشر کرگدن، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری: ۶۰۰ص.
شابک: 978-622-7765-20-5
موضوع: دانشگاه‌ها و مدارس عالی -- اروپا -- تاریخ -- قرن ۱۸م -- قرن ۱۹م.
شناسه افزوده: خواجه‌پور، محمدرضا، ۱۳۲۰-، مترجم
رده‌بندی کنگره: LA۶۲۷
رده‌بندی دیویی: ۳۷۸/۴۰۹۰۳۳
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۸۸۳۷۹۱۱

دانشگاه‌های اروپایی

از عصر روشنگری تا جنگ اول جهانی

رابرت د. اندرسون

ترجمه
محمدرضا خواجه‌پور



نشرکردن

همه حقوق برای نشر کرگدن محفوظ است.
www.kargadanpub.com
[telegram.me/kargadanpub](https://t.me/kargadanpub)
[instagram.com/kargadan.pub](https://www.instagram.com/kargadan.pub)



نشر کرگدن

مجموعه مطالعات علم و فناوری - ۶
دبیر مجموعه: حسین شیخ‌رضایی (هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران)

دانشگاه‌های اروپایی؛ از عصر روشنگری تا جنگ اول جهانی

نویسنده: رابرت د. اندرسون

مترجم: محمدرضا خواجه‌پور

مدیر هنری: سحر ترهنده

صفحه‌آرا: هادی عادل‌خانی

ناظر چاپ: علی محمدپور

لیتوگرافی: نقش سبز

چاپ و صحافی: زعفران

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۷۶۵-۲۰-۵

چاپ اول: ۱۴۰۱

تیراژ: ۷۰۰ نسخه

قیمت: ۲۵۰۰۰۰ تومان

یادداشت دبیر مجموعه

«مطالعات علم و فناوری» نام قلمروی میان‌رشته‌ای است که در زیر چتر آن رشته‌های گوناگونی فعالیت می‌کنند: تاریخ و فلسفه علم و فناوری؛ مطالعات علم، فناوری و جامعه؛ جامعه‌شناسی علم، فناوری و معرفت؛ سیاست‌گذاری علم و فناوری؛ مطالعات فمینیستی علم و فناوری؛ ارتباطات علم و فناوری و ... هدف از شکل‌گیری چنین قلمروی در دوران جنگ سرد عمدتاً بررسی این موضوع بود که چگونه بافت، شرایط و ارزش‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و جنسیتی بر پژوهش‌های علمی و نوآوری‌های فناورانه اثر می‌گذارند و متقابلاً چگونه علم و فناوری این بافت، شرایط و ارزش‌ها را تغییر می‌دهند. به بیان دیگر، هدف از چنین مطالعاتی آن است که نقش علم و فناوری به عنوان پدیده‌هایی زمینه‌مند و بافت‌مند در بستر بزرگ‌تر پدیده‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بررسی شود. پیش‌فرض این دست مطالعات آن است که می‌توان تأثیر آنچه را سابقاً در ارتباط با علم و فناوری «بیرونی» تلقی می‌شد بر روش، محتوا و دستاوردهای این دو حوزه دید؛ هرچند میزان و نحوه این اثرگذاری و صورت‌بندی دقیق آن خود یکی از پرسش‌های اصلی این حوزه مطالعاتی است که پژوهشگران بر سر آن توافق ندارند. پژوهش‌های دانشگاهی در قلمرو مطالعات علم و فناوری را می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم کرد. یکی آنهایی که به ماهیت علم و فناوری و رویه‌های عملی موجود در آنها می‌پردازند، و مثلاً پرسش‌هایی از این دست را پیش می‌کشند: چه چیز سبب می‌شود واقعیات علمی اعتبار یابند، چگونه رشته‌ها و شاخه‌های جدید در جهان علم

ایجاد می‌شوند، آیا نسبت و ربطی میان علم و دین یا میان علم و جنسیت وجود دارد و دسته دوم پژوهش‌هایی است که موضوع اصلی آنها اثرگذاری علم و فناوری بر جامعه، کنترل و تسلط بر این دو حوزه و ریسک‌ها و خطراتی است که از ناحیه علم و فناوری به جامعه و ارزش‌های مدنی تحمیل می‌شود. در اینجا، پرسش‌هایی از این دست مطرح است: دولت‌ها چگونه باید بودجه‌های مربوط به علم و فناوری را تخصیص کنند، در تصمیم‌گیری‌های علمی و فناورانه چه کسانی و چگونه باید مداخله کنند، متخصصان تا چه اندازه باید اطلاعات تخصصی مربوط به فناوری‌های جدید را در اختیار عموم قرار دهند و

ماهیت میان‌رشته‌ای این حوزه مطالعاتی، که اکنون در بسیاری از دانشگاه‌های جهان تدریس می‌شود، نشان می‌دهد که برخورداری از تخصص در رشته‌ای علمی برای داشتن دیدی درست در خصوص رابطه علم، فناوری و جامعه کافی نیست؛ و لازم است کسانی برای رویارویی عقلانی با بحران‌ها و منافع ناشی از علم و فناوری به دانشی فراتر از رشته‌های علمی مجهز باشند و از راه به‌کارگیری این دانش میان‌رشته‌ای بتوانند در چالش‌های پیش رو نقشی فعال ایفا کنند.

با توجه به قلت منابع موجود و با توجه به بی‌مهری بسیاری از دانشکده‌ها و رشته‌هایی که می‌توانند در این حوزه فعالیت کنند، بر آن شدیم در مجموعه «مطالعات علم و فناوری» آثاری اثرگذار، اعم از ترجمه و تألیف، در اختیار خوانندگان قرار دهیم تا از این راه درک و دانش عمومی، چه دانش شهروندان و چه دانش تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران، از این حوزه مطالعاتی افزایش یابد.

حسین شیخ‌رضایی

فهرست

۱	یادداشت مترجم
۳	پیش‌گفتار
۵	مقدمه
۱۱	فصل اول: رژیم قدیم
۴۱	فصل دوم: اصلاحات روشنگرانه
۷۵	فصل سوم: فرانسه از روشنگری تا دانشگاه ناپلئون
۹۷	فصل چهارم: آلمان و الگوی هومبولتی
۱۲۳	فصل پنجم: دانشجویان، استادان و سیاست
۱۶۳	فصل ششم: دانشگاه‌ها، دین و دولت لیبرال
۱۸۹	فصل هفتم: برنامه‌درسی و فرهنگ
۲۱۷	فصل هشتم: شمار دانشجویان و الگوهای اجتماعی
۲۵۱	فصل نهم: شکل‌گیری نخبگان
۲۷۵	فصل دهم: آلمان: عصر زرین دانشگاهی
۲۹۵	فصل یازدهم: آلمان: تنش‌های سیاسی
۳۲۱	فصل دوازدهم: فرانسه
۳۴۹	فصل سیزدهم: جزایر بریتانیا
۳۸۱	فصل چهاردهم: ایتالیا و اسپانیا

- فصل پانزدهم: هابسبورگ و ملی‌گرایی‌های دیگر - - - - - ۴۱۱
- فصل شانزدهم: روسیه - - - - - ۴۳۹
- فصل هفدهم: زنان و دانشگاه‌ها - - - - - ۴۶۷
- فصل هجدهم: جوامع دانشجویی و عقاید سیاسی دانشجویی - - - - - ۵۰۱
- فصل نوزدهم: مأموریت خدمت به مردم - - - - - ۵۲۵
- فصل بیستم: سخن آخر: دانشگاه‌های اروپایی در ۱۹۱۴ - - - - - ۵۳۵
- کتاب‌نامه - - - - - ۵۴۳
- نمایه - - - - - ۵۸۱

یادداشت مترجم

این کتاب به تحول و دگرگونی‌های دانشگاه‌های اروپایی از اوایل سده هجدهم تا شروع جنگ جهانی اول می‌پردازد. از این تاریخ تا میانه سده بیستم، دانشگاه‌های اروپایی در اکثر کشورها در سایه یا در خدمت دو جنگ جهانی قرار گرفت که آن را به روالی دیگر دگرگون کردند. نگرش کتاب به تحول دانشگاه‌ها به‌طور عمده فرهنگی، اجتماعی و احیاناً سیاسی است. بررسی موضوعات آموزشی و تعلیمی جای اندکی را در آن گرفته است و فقط یک فصل کتاب کم‌وبیش به برنامه درسی اختصاص دارد.

آقای حسین معصومی همدانی نسخه حروف‌چینی‌شده را پیش از چاپ به‌دقت مطالعه کردند. اصلاحات ایشان جملگی مغتنم بود. از ایشان صمیمانه سپاسگزارم. آقای حسین شیخ‌رضایی، مدیر محترم نشر کرگدن، نسخه پیش از چاپ را با وسواس تمام خواندند. از او نیز صمیمانه تشکر می‌کنم.

رابرت دیوید اندرسون در سال ۱۹۴۳ در کاردیف، پایتخت ویلز در بریتانیا، به دنیا آمد. او در دانشگاه آکسفورد تحصیل کرد و دکتریش را از کالج سنت آنتونی آکسفورد گرفت. چند سالی در دانشگاه گلاسکو در اسکاتلند تاریخ تدریس کرد و در ۱۹۶۹ به دانشگاه ادینبورگ رفت و به تدریس تاریخ مدرن مشغول شد و در

همان‌جا به سمت استادی در تاریخ مدرن رسید. اندرسون در ۱۹۸۸ رئیس دانشکده شد. از او ده‌ها مقاله در مجلات تخصصی و عمومی تاریخ و تاریخ آموزش به چاپ رسیده و نیز در بیش از ده کتاب فصل‌هایی دربارهٔ این موضوعات نوشته است. رابرت اندرسون عضو هیئت ویراستاران مجلهٔ تاریخ دانشگاه‌ها و یکی از نمایندگان بریتانیا در کمیسیون بین‌المللی تاریخ دانشگاه‌ها است. او در سال ۲۰۰۷ از دانشگاه ادینبورگ بازنشسته شد. از او نزدیک به ده کتاب منتشر شده که برخی از آنها به شرح زیر است:

Education in France 1848-1870, Oxford 1975;

France 1870-1914, Politics and Society, Routledge and Kegan 1977;

The University of Edinburgh, an Illustrated History (with Michael Lynch and Nicholas Phillipson), Edinburgh University Press 2003;

Universities and Elites in Britain since 1800, MacMillan 1992.

محمد رضا خواجه‌پور

پیش‌گفتار

تاریخ دانشگاه از دههٔ ۱۹۷۰ به بعد، شاخه‌ای بارور از تتبع و دانش‌پژوهی بوده است، اما بیشتر کارها در این زمینه تخصصی و یافتن آنها دشوار است. قصد من در این کتاب آن است که خواننده را با برخی نتایج این پژوهش آشنا کنم و روایتی همراه با تفسیر از تحولات این دوران، که دانشگاه مدرن در آن ریشه گرفت و بارور شد، فراهم آورم. اینکه آیا این دانشگاه 'مدرن' پس از شروع گذار به آموزش عالی توده‌ای در سال‌های دههٔ ۱۹۶۰ همان دانشگاه امروز است نکته‌ای است قابل بحث. با این حال، روابط متغیر پژوهش و تدریس و قالب‌های مشخصی که سامانه‌های ملی آموزش ملی به خود گرفتند امروزه هنوز مناسب دارند. برای ارائهٔ چنین تلفیقی لازم است ساده‌سازی دانشگاه و تاریخ عمومی هر دو انجام شود و محققانی که من به کارهایشان متکی بوده‌ام شاید برنج‌اند که در قبال افکارشان همواره سنگ‌تمام گذاشته نشده است. کتاب‌شناسی گسترده‌ای که از آن استفاده شده و در پی‌نوشت‌ها آمده است برای خوانندگان میسر خواهد کرد که خود موضوع را بکاوند.

این کتاب را در اصل تونی موریس^۱ در انتشارات دانشگاه آکسفورد سفارش داد و من از او و جان‌شینش، روث پار^۲، به خاطر تشویق و صبوری‌شان سپاسگزارم. وظایف اداری، که بخشی ناگزیر از زندگی آکادمیک مدرن است، تکمیل کتاب را به تعویق می‌انداخت که بالاخره مرخصی پژوهانهٔ تحقیقاتی شورای پژوهش هنرها

1. Tony Morris
2. Ruth Parr

و علوم انسانی در ۲۰۰۱-۲۰۰۲ کمک بزرگی به آن کرد. من همچنین از اجازه‌های مرخصی منظم بعدی سپاسگزارم.

دسترسی به کتاب‌ها و نشریات زبان خارجی ضروری بود و نوشتن کتاب بدون منابع پژوهشی غنی کتابخانه، کتابخانه ملی اسکاتلند، کتابخانه بریتانیا، و علاوه بر اینها، منابع انستیتو تحقیقات تاریخی، انستیتو آموزش دانشگاه لندن و انستیتو تاریخی آلمان ممکن نبود. دینی خاص به استورات والاس^۱ به عهده دارم که شوق او برای تاریخ دانشگاهی و دانش گسترده‌اش محرک گفت‌وگوهای برانگیزنده متعددی میان ما شده است. همکاران و دوستان دیگری که با اظهار نظرها و پشتیبانی‌شان در طول سالیان در این تلاش سهم داشته‌اند عبارت‌اند از پاول آدیسن^۲، تریشیا آلرستون^۳، ریچارد آلدريج^۴، لارنس براکلیس^۵، جِرمی کِرنِگ^۶، پیتر دونت^۷، آون دادلی ادواردز^۸، روزمری جنتلمن^۹، جان گودینگ^{۱۰}، گلوریا کچین^{۱۱}، زنده‌یاد موریس لارکین^{۱۲}، ریچارد مک‌کنی^{۱۳}، جیم مک‌میلان^{۱۴}، لینزی پترسن^{۱۵}، نیکلاس فیلیپسن^{۱۶}، هلگا رابینسن-همراستاین^{۱۷}، شلدان راث‌بلت^{۱۸}، جیل استیونسن^{۱۹} و زنده‌یاد دان ویتزینگتن^{۲۰}. از نظر محتوای کتاب همهٔ مسؤلیت بر عهدهٔ من است.

ر. د. ا.

1. Stuart Wallace
3. Tricia Allerston
5. Laurence Brockliss
7. Pieter Dhondt
9. Rosemary Gentleman
11. Gloria Ketchin
13. Richard Mackenney
15. Lindsay Paterson
17. Helga Robinson-Hammerstein
19. Jill Stephenson

2. Paul Addison
4. Richard Aldrich
6. Jeremy Crang
8. Owen Dudley Edwards
10. John Gooding
12. Maurice Larkin
14. Jim McMillan
16. Nicholas Phillipson
18. Sheldon Rothblatt
20. Don Withrington

مقدمه

این مقدمه کتاب را در زمینه کارهای پژوهشی اخیر تاریخ دانشگاه‌ها قرار می‌دهد و خطوط اصلی ساختار آن را مشخص می‌کند. در آن بحث می‌شود که سال‌های حول و حوش ۱۸۷۰ دوره تحول مهمی بوده است.

کلیدواژه‌ها: دانشگاه‌ها، تاریخ دانشگاه‌ها، دهه ۱۸۷۰

روژه شارتیه و ژاک رول در سال ۱۹۷۸ نوشتند که تاریخ دانشگاه‌های اروپایی، بنا به سنت، تا حد زیادی یک تاریخ نهادی (سازمانی) و فکری سده‌های میانه بوده است.^[۱] سده‌های میانه، به خاطر مشخص کردن مبدأ و خاستگاه دانشگاه‌ها و عصر طلایی آشکاری در باروری فکری؛ نهادی یا سازمانی از آن رو که بیشتر نوشته‌های تاریخی هر کدام به دانشگاهی جداگانه اختصاص داشته‌اند و اغلب هم با لحنی غیرانتقادی ملهم از غرور محلی نوشته شده‌اند که یا به مناسبت جشن‌های سالگرد بوده‌اند یا برای مراسم سده‌ای که در قرن نوزدهم از ویژگی‌های زندگی دانشگاهی بوده؛ و بالاخره فکری، به این معنی که تاریخ یک دانشگاه تاریخ علم و تتبعی است که در آن دانشگاه صورت گرفته و تدریس شده است. جامعه‌شناسی معرفت به دانشگاه‌ها به عنوان تجسم نهادی اندیشه‌های آکادمیک می‌نگرد،

دیدنی که ممکن است توجه را از عملکردهای اجتماعی دانشگاه منحرف کند و به غفلت از دوره‌هایی منجر شود که از نظر فکری راکد بوده است. رهیافت‌های نهادی و فکری هر دو به‌آسانی ممکن است غایت‌گرایانه شوند و قضاوتشان درباره‌ی گذشته بر اساس سهمی باشد که دانشگاه در روایتی خاص از واقعیت در حال حاضر موجود داشته است یا بر آن جنبه‌هایی تأکید کند که هرچه بیشتر با نوعی 'فکر دانشگاه'، فکری ظاهراً ماندگار و بی‌تغییر، سازگار است.

شارتیه و ژول حکایت از آن می‌کردند که چگونه تاریخ اجتماعی جدید دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ اندک‌اندک تاریخ دانشگاه و به‌ویژه آن قسمت را که به اوایل دوران مدرن مربوط می‌شد، از نو ساخت. یک نمونه‌ی پیشگامانه سمیناری بود در تاریخ آموزش در دانشگاه پرینستن که از ۱۹۶۹ به بعد لارنس استون عهده‌دار آن بود. این سمینار هم به‌خاطر رهیافت‌های روش‌شناختی و هم به‌سبب برگرداندن توجه از سده‌های میانه‌ی شاخص بود.^[۱] این سمینار پیش‌درآمد چندین برنامه‌ی گروهی دیگر بود که برخی از آنها در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ اساس را بر مطالعات کمی مفصل ثبت‌نام‌های دانشجویی و داده‌های مشابه گذاشتند. تاریخ دانشگاه کم‌کم به‌عنوان زیررشته‌ای با نهادها و برنامه‌های کاری خاص خود شکل گرفت.^[۲] در سال ۱۹۶۰ کمیسیون بین‌المللی تاریخ دانشگاه‌ها^۱ به‌صورت شاخه‌ای از کمیته‌ی بین‌المللی علوم تاریخی^۲ تأسیس شد و از طریق یک رشته کنفرانس‌های بین‌المللی و انتشار کتاب‌شناسی‌های متعدد توسعه یافت. مجله‌ای اختصاصی نیز با عنوان تاریخ دانشگاه‌ها^۳ در ۱۹۸۱ آغاز به انتشار کرد؛ این مجله اکنون به‌طور رسمی با کمیسیون بین‌المللی مرتبط است. در سال ۱۹۸۲ کنفرانس‌های رؤسای دانشگاه‌های اروپا^۴، هیئتی که همه‌ی دانشگاه‌های اروپایی را نمایندگی می‌کند، تصمیم گرفت از تألیف دسته‌جمعی تاریخی حمایت کند که به بررسی 'دانشگاه در جامعه' بپردازد، و به این ترتیب سیاست‌ها و مسائل امروزی در چشم‌انداز تاریخی قرار گیرد. این پروژه سیل زودرس انتشارات را سبب شد،^[۴] اما از آن رو که برای آن تألیف

1. Interntional Commission for the History of Universites

2. Internaiunal Committe of Historical Sciences

3. *History of Universities*

4. Conference of European Rectors

مقیاسی بزرگ در نظر بود، انتشار نتایج کامل به زمان بیشتری نیاز داشت. نخستین جلد از مجلدهای چهارگانه این دوره که به وسیله محققان برجسته نوشته شده بود، در ۱۹۹۲ از طبع بیرون آمد و درباره سده‌های میانه بود. دومین جلد که به اوایل دوران مدرن می‌پردازد، در سال ۱۹۹۶ منتشر شد. مجلدی که دوره ۱۸۰۰ تا ۱۹۴۵ را شامل می‌شود به ویراستاری والتر روگ^۱ قرار است در سال ۲۰۰۴ انتشار یابد،^۲ و احتمالاً حرف‌های تازه‌ای برای گفتن دارد، ولی شاید از ارزش یک تلفیق مقدماتی، نظیر آنچه در اینجا ارائه می‌شود، نگاهد.

کتاب حاضر نیز در این نظر سهیم است که 'دانشگاه‌ها هیچ‌گاه با ارجاع به یک سنخ آرمانی انتزاعی تعریف نشده‌اند، بلکه همیشه با خواستارانی که جلب کرده‌اند، وظایفی که در یک جامعه معین انجام داده‌اند، و با بازار و تقاضای اجتماعی موجود مشخص شده‌اند'.^[۵] نوشتن یک تاریخ دانشگاه با ملاک‌های عقلی احتمالاً فراتر از توانایی یک محقق است: تاریخ‌های علم، پزشکی، تتبع آثار کلاسیک، فلسفه، و تاریخ‌نگاری، هر کدام زیررشته‌های تاریخی سترگی شده‌اند. در اینجا، تلاشی نمی‌شود که به اینها پرداخته شود؛ شاید از واقعیت‌های روزمره کلاس درس و آزمایشگاه هم چندان سخن به میان نیاید — که خود مطالبی است که تاریخ‌دانان هم به‌تازگی به واکاوی آنها روی آورده‌اند. آنچه در اینجا ارائه شده تاریخ دانشگاه‌ها در جامعه و نیز در 'سیاست' است، پرداختن به مسائلی است چون آزادی آکادمیک، رابطه دانشگاه‌ها با دولت و تأثیر ملی‌گرایی، که موضوع و مضمون اجتناب‌ناپذیر سده نوزدهم است.

والتر روگ، محقق سوئیسی، ویراستار کل تاریخ دانشگاه در اروپا^۳ در مقدمه جلد اول آن مدعی می‌شود که 'دانشگاه یک نهاد اروپایی است، و در واقع یک نهاد اروپایی به‌تمام معنی است، و تنها نهاد اروپایی که الگوهای اساسی‌اش و نقش اجتماعی و عملکردهای بنیادی‌اش را در طول تاریخ حفظ کرده است'. دانشگاه از سده هجدهم به بعد 'نهاد فکری‌ای' بوده است که 'کل بدنه رشته‌های عقلی‌ای را، که به‌شیوه‌ای منظم و روشمند بررسی می‌شوند، پرورش و انتقال داده است'.

1. Walter Rüegg

۲. اکنون هر چهار جلد این دوره منتشر شده است. — م.

3. *History of University in Europe*

و 'نخبگان' آکادمیکی را به وجود آورده که منش‌ها و رسوم آنان بر ارزش‌های مشترک اروپایی مبتنی است و از مرزهای ملی هم فراتر می‌رود.^[۶] تردیدی نیست که این نظر بازتاب آرمان‌های سیاسی امروزی است، و فروریختن دیوار آهنین در سال ۱۹۹۲ مناسبت و اقتضای تازه‌ای را برای اروپاگرایی فراهم آورده است. با این حال، حتی پیش از آن هم مورخان دانشگاه بیش از محققان دیگر کوشیده بودند پیوندهای شرق و غرب [اروپا] را خاصه با لهستان و آنچه قبلاً چکسلواکی خوانده می‌شد، حفظ کنند. کتاب حاضر نیز می‌کوشد از این بابت جامع باشد. چشم‌انداز مؤلف را ناآشنایی او با زبان‌های اسلاوی (یا اسکاندیناویایی) محدود می‌سازد. با این حال، دست‌کم در مورد روسیه مدارک کافی به زبان‌های غربی در دسترس است که ترسیم خطوط اصلی را امکان‌پذیر سازد. این کتاب در پرداختن به بریتانیا نیز 'نگاهی اروپایی' دارد تا بر پیوندها و مشابهت‌های آن با بخش قاره‌ای اروپا تأکید ورزد. و چندان به ارتباط‌های امپراتوری بریتانیا و پیوندهای دو سوی اقیانوس اطلس نپردازد، که در مورد دانشگاه‌های بریتانیایی قوی‌تر از دیگر نظام‌های اروپایی بودند.

شروع جنگ جهانی اول نقطه پایان آشکاری در تاریخ دانشگاه است. انتخاب نقطه آغاز دشوارتر است. سنت بر آن است که گذار از قرن هجدهم به نوزدهم، به‌ویژه اصلاحات 'هومبولتی' در آلمان را که با تأسیس دانشگاه برلین در سال ۱۸۱۰ مرتبط است، 'مهم‌ترین وقف و سکنه' در سنت ۸۰۰ ساله دانشگاه‌های اروپایی بدانند، زیرا به‌همراه آن بود که مفهوم تلفیق آموزش و پژوهش مطرح شد.^[۷] به لحاظ اجتماعی و سیاسی، این واقعه آغاز دانشگاه طبقه متوسط و هم‌نشینی آن با نیروهای لیبرالیسم، صنعتی شدن و ملی‌گرایی است. از نظر فکری، می‌توان آن را هوادار اصول آزادی آکادمیک، پژوهش اصیل و تفکر انتقادی شمرده که در ۶۰۰ سال قبلی دانشگاه‌ها کمتر حضور داشت، ولی هنوز هم شاخص دانشگاه آلمانی امروز است. با این حال، حتی اگر اهمیت ۱۸۰۰ را به‌عنوان یک نقطه عطف بپذیریم، نه می‌توان از اصلاحات قبلی فرمانروایان روشن‌نگر چشم پوشید و نه از الگوی فرانسوی آموزش عالی غفلت کرد، که به‌نحو بارزی با آرمان

1. elite

هومبولتی دانشگاه یکپارچه فرق داشت.^[۸] این مطالب همراه با شرح کوتاهی دربارهٔ رژیم قدیم، چهار فصل اول این کتاب را تشکیل می‌دهند. می‌توان دلیل آورد که 'سکنته' دیگری در دهه‌های حول و حوش ۱۸۷۰ روی داد. تنها از آن پس بود که الگوی آلمانی در خارج از حوزهٔ فرهنگی آلمان هم به‌طور وسیع شیوع یافت. مهم اینکه تنها بعد از آن بود که دگرگونی‌های سیاسی، دینی و فکری خودمختاری واقعی دانشگاه‌ها را تضمین کرد و یک دورهٔ گسترش پویا شروع شد. تا آن زمان فرمانروایان هنوز می‌کوشیدند دانشگاه‌ها را به‌منظور تحمیل درست‌آیینی سیاسی و مذهبی به کار گیرند، و اصول آزادی‌خواهی هم در تلاش برای تثبیت خود بودند. اینها موضوع بحث‌های فصول ۵ و ۶ است و فصل ۷ به تحولات برنامه‌های درسی در این دوره و پیامدهای فرهنگی آنها می‌پردازد. در فصول ۸ و ۹ سعی می‌شود خلاصه‌ای از تحولات اجتماعی و مدل‌های تفسیری‌ای ارائه شود که اساس بررسی کشورهای مختلف را در فصول ۱۰ تا ۱۶ تشکیل می‌دهند. معلوم شد که بررسی موضوعی صرف برای عصر دولت-ملت‌ها عملی نیست. دلیلش فقط این نبود که نظام‌های دانشگاه‌های ملی با هم فرق داشتند، بلکه مورخان هر کشور تاریخ دانشگاهی خود را بر اساس مجموعهٔ مسائل متفاوتی در تاریخ عمومی روایت کرده‌اند: روابط میان طبقهٔ متوسط و معیارهای اشرافی در بریتانیا، ماهیت دولت جمهوری در فرانسه، سرنوشت لیبرالیسم در آلمان یا پیدایش *اینتلیگنسیا* (روشنفکران) در روسیه. نقش دانشگاه‌ها در یکپارچه کردن نخبگان ملی موضوع تطبیقی مفیدی به شمار می‌رود. و بالاخره فصول ۱۷، ۱۸ و ۱۹ به موضوع‌هایی می‌پردازند که به‌طور عمده در دورهٔ پس از ۱۸۷۰ مطرح شدند: زنان و دانشگاه‌ها، تحول زندگی دانشجویی و رابطه میان دانشگاه‌ها و دموکراسی.

پی‌نوشت‌ها

- [1] R. Chartier and J. Revel, 'Université et société dans l'Europe moderne: position des problèmes', *Revue d'Histoire Moderne et Contemporaine*, 25 (1978), 353.
- [2] L. Stone (ed.), *The university in society. I. Oxford and Cambridge from the 14th to the early 19th Century, and II. Europe, Scotland, and the United States from the 16th to the 20th century* (Princeton, 1974–5). Cf. F. Ringer, 'Problems in the history of higher education: a review article', *Comparative Studies in Society and History*, 19 (1977), 239–58 (includes comment by Stone); C. E. McClelland, 'A step forward in the study of universities', *Minerva*, 14 (1976), 150–61.
- [3] M. M. Compère, *L'Histoire de l'éducation en Europe: essai comparatif sur la façon dont elle s'écrit* (Bern, 1995), 211–14.
- [4] Including special nos. of the Conference's newsletter *CRE Information*, 62 (1983), 69 (1985); 72 (1985); special no. of *History of European Ideas*, 8 (1987); L. Jílek (ed.), *Historical compendium of European universities. Répertoire historique des universités européennes* (Geneva, 1984). Cf. W. Frijhoff, 'Universités et société: à propos d'un projet de la Conférence européenne des recteurs', *Histoire de l'Éducation*, 22 (1984), 19–25.
- [5] J. Verger, in J. Verger (ed.), *Histoire des universités en France* (Toulouse, 1986), 6.
- [6] W. Rüegg, in H. de Ridder-Symoens (ed.), *A history of the university in Europe. I. Universities in the middle ages* (Cambridge, 1992), pp. xix–xx.
- [7] H. Titze, *Datenhandbuch zur deutschen Bildungsgeschichte. I. Hochschulen. 2. Teil: Wachstum und Differenzierung der deutschen Universitäten 1830–1945* (Göttingen, 1995), 15.
- [8] Cf. R. D. Anderson, 'Before and after Humboldt: European universities between the eighteenth and the nineteenth centuries', *History of Higher Education Annual*, 20 (2000), 5–14.